

پیامک
۲۰۰۸-۸۰۸-۲
اگر مطلب این صفحه را می‌پسندید عدد ۱۰ را پیامک کنید

رفت و گفت: اگر راستش را بخواهی حالا دیگر خودم هم دلم نمی‌خواهد این کار را اول کنم. مراد گفت: احسنت، حالا تو لیاقت دامادی مرا داری و دخترش را به عقد او در آوردی و از همان روز او از یک طرف و دامادش از طرف دیگر مشغول گدایی شدند. مدت زیادی گذشت. مراد یک روز صبح سحر به حمام رفت و داشت بدنش را تمیز می‌کرد. دید که یک نفر از همان در حمام دستش را دراز کرده و می‌گوید بده در راه خدا. مراد گفت: عمو اینجا خزانه است من هم نختم چیزی ندارم به تو بدهم دید مردک دست بردار نیست و می‌گوید اما همان‌ها که توی مشت داری بده در راه خدا. مراد دست مشتش را پر از کف کرد و دراز کرد و گفت: بگیر اما وایسا ببینم که دست مرا بر چوب بستنی و از من بالا زدی. وقتی که از حمام بیرون آمد دید دامادش است. همان تاجر که اول آنقدر خجالت می‌کشید. او گفت: احسنت بر تو که از من گداتر باز تویی. خدا را شکر که تو بودی. اگر یکی دیگر بود من از غصه دق می‌کردم.

تجارت ممکن است ضرر کند اما گدایی به ضرر می‌کند نه از بین می‌رود. تاجر هر چه التماس کرد مراد گفت: بی خود التماس نکن همین که گفتم. پسرک گفت: آخر همه مردم این شهر مرا می‌شناسند من خجالت می‌کشم. مراد گفت: من به تو یادمی‌دهم چکار کنی که خجالت نکشی. برو در تجارت‌خانه‌ها را ببند، لباس‌هایت را در بیابور تارخت کهنه بدهم بپوشی. از فردا صبح برو سر فلان گذر شلوغ، کنار دیوار بنشین. به دیوار تکیه کن و سرت را ببنداز زیر که هیچکس را نبینی تا خجالت نکشی، فقط دست راست را به طرف بالا نگاهدار. تا یک ماه همین کار را می‌کنی بعد بیا تا دخترم را عقدت کنم.

تاجر رخت‌های کهنه پوشید. مردم که رد می‌شدند او را می‌شناختند، به خیالشان این بیچاره ور شکست شده و هر کس هر چه می‌توانست به او کمک می‌کرد. پول و لباس و چیزهای دیگر می‌دادند. یک ماه گذشت. سر یک ماه دید که به اندازه درآمد چند سال تجارتش کار کرده است، پس پیش مراد دوس

پرسید: چکارهای؟
جوان گفت: من تاجر دم‌خلم خیلی زیاد است. دارم حساب‌ندارم. در ضمن دختر هم این پسر را می‌خواست. مراد دوس گفت: چون دخترم خیلی تورا می‌خواهد به یک شرط او را به تو می‌دهم. پسرک خوشحال شد و گفت هر شرطی که باشد روی چشم می‌پذیرم. مراد گفت: اگر دختر مرا می‌خواهی باید گدایی کنی.

پسر که فکر نمی‌کرد اینطور شرطی گذاشته شود، نزدیک بود شاخ در بیاورد. به خودش می‌گفت اگر دخترش را بگیرم یک کار خوبی هم به خودش می‌دهم که گدایی نکند. حالا به من می‌گوید تو هم باید گدایی کنی. پسرک گفت: آخر من یک نفر تاجر با این همه دارایی و دخل زیاد چطور گدایی کنم؟ هزار نفر زیر دست من کار می‌کنند. حالا اول کنم بیایم گدایی کنم؟ مراد دوس گفت: من این حرف‌ها سرم نمی‌شود. درای می‌توانی ممکن است از بین برود اما گدایی همیشه هست.

عادت‌گذاری شروع شود، تمام نمی‌شود

این قصه طنزی گزنده از عادت دارد که به خواندنش می‌آزرد. قصه‌های کهن همیشه چیزی شیرین و گاه تلخ درون خود دارند که باید آن را جست و تأمل کرد.

در روزگاران قدیم مرد گدایی به نام مراد دوس بود که همه گداهای پیش او درس گدایی می‌خواندند. از آن گداهای پرچانه و لینه‌چ بود که هر کس جلوش می‌رسید می‌گفت: بده در راه خدا. به مرد وزن و بچه، حتی به گداهای که می‌رسید می‌گفت: بده در راه خدا و آنقدر سمج می‌شد تا یک چیزی بستاند. مراد دختری داشت که خیلی زیبا بود و خواستگاران زیادی داشت که به هیچ کدام جواب نمی‌داد. تاجری به یک دل نه صد دل عاشق و فراتر دخترش بود. یک روز پسرک پیش مراد رفت که دخترش را خواستگاری کند. مراد

پادداشت

آغاز داوری جایزه صادق هدایت

ایبنا: مرحله اول داوری جایزه ادبی صادق هدایت آغاز شد. زمان دریافت داستان جایزه صادق هدایت اول آبان سال جاری (۱۳۹۳) پایان گرفت و در مجموع هزار و ۱۵۶ اثر به دبیرخانه این جشنواره ارسال شد. از مجموع این آثار، ۳۴ داستان از خارج از کشور، ۲۷۵ داستان از تهران و ۲۴۷ داستان از شهرستان‌ها به این جشنواره ارسال شده است. مرحله اول ارزشیابی داستان‌های ارسالی به این جشنواره آغاز شده و پس از داوری مرحله دوم داستان‌های برگزیده اعلام می‌شود. این جشنواره چهار برگزیده خواهد داشت و در آن به نویسنده بهترین داستان، تندیس صادق هدایت و به سه نفر دیگر لوح افتخار اهدا می‌شود.

مودیانو همیشه ناآرام هستند و هیچوقت احساس آرامش نمی‌کنند. آن‌ها درباره هیچ چیز اطمینان ندارند، نه درباره رنگ و ریش خود، نه سرگذشت خود، نه حافظه خود، نه زندگی‌ای که از سر می‌گذرانند و نه احساساتشان. فقط سعی می‌کنند تا آنجا که می‌توانند زنده بمانند. آدم‌هایی هستند متعلق به گذشته، دیگر وجود ندارند، یا این که تقریباً دیگر وجود ندارند. اشیای شناور در زمان حال فقط به واسطه روزگاری که از سر گذشته‌اند زنده‌اند و همواره در کمین چیزی هستند که بتواند آن‌ها را دوباره به دهرهای ناپدیدشده و خلس کند. مخاطب بنا به عادت، انتظار دارد در پیچ یکی از خیابان‌ها که راوی بی‌وقفه از آن‌ها می‌گذرد یا توی یکی از کافه‌ها که از دستوران‌هایی که او در آن‌ها توقف می‌کند، اتفاقی بیفتد یا حادثه‌ای از گذشته بازگو شود، اما این انتظار تا صفحه آخر کتاب برآورده نمی‌شود. تمام پرسه‌زن‌های راوی، تمام مکان‌هایی که با جزئیات توصیف می‌شوند، فقط طعمی از گذشته‌ها را بر زبان می‌آورند. طعمی از گذشته که به بویی از امروز آغشته است. در صفحه آخر تمام رمان‌های مودیانو متوجه می‌شویم که تمام رمان‌ها همان پرسه‌زن‌ها بوده است. مهم رفتن بوده نه رسیدن به چیزی. مودیانو جزو معدود نویسنده‌گان دنیاست که بلد است با داستان‌هایی از این دست، مخاطبش را تا آخر کتاب با خود بکشاند و طعم لذتی را به او بچشاند که کمتر جایی می‌تواند آن را تجربه کند، لذت خواندن.



نویسنده مودیانو قلمرویی بیگانه را به تصویر می‌کشد، تنها سرزمینی که نویسنده می‌تواند در آن متجلی شود. خط‌سیر فرار جوان‌هایی را روی کاغذ تثبیت می‌کند که ضرب‌به‌سختی از زندگی خورده‌اند

گفتگو با اصغر نوری درباره ترجمه آثار مودیانو

شخصیت‌های مودیانو طعمی از گذشته را زیر زبانمان می‌آوردند

اصغر نوری باقری‌زبان و ادیب‌ترانه‌ساز (کارشناسی)، کارگردانی تئاتر (کارشناسی ارشد) به عنوان مترجم، نمایشنامه‌نویس و کارگردان تئاتر در جامعه نمایش و ادبیات فعالیت دارد. از ایشان نگارش و کارگردانی نمایشنامه‌هایی چون بازی، هملت به روایت هوراوشیو... در ایران و چند کشور دیگر چون فرانسه و آلمان را می‌توان نام برد. از ترجمه‌های این مترجم می‌توانست به عشق بی پایان (مجموعه شعر - امانوئل رولیس)، پرده آخر (نمایشنامه - ژیلبر سسیرون)، کافه پویشی (نمایشنامه - آلن و تو)، دیوار گذر (مجموعه داستان - مارسل امه)، برهوت عشق (رمان - فرانسیسوا موریاک)، محله گمشده (رمان - پاتریک مودیانو) و... اشاره کرد. همچنین در زمینه کتاب (تألیف) بازی و شکار (دو نمایشنامه) که توسط نشر مروارید نیز چاپ هستند را می‌توان نام برد.

فراخوان نخستین جایزه داستان کوتاه علمی-تخیلی

فراخوان اولین جایزه داستان کوتاه علمی-تخیلی شریف اعلام شد. شاخه دانشجویی IEEE دانشگاه صنعتی شریف نخستین دوره جایزه داستان کوتاه علمی-تخیلی را به منظور گسترش این ژانر در ایران، کشف استعداد‌های گوناگون و تشویق نویسندگان این حوزه برگزار می‌کند. این مسابقه با همکاری و حمایت مؤسسه شهر کتاب، مرکز زبان‌ها و زبان‌شناسی دانشگاه صنعتی شریف و کانون علمی-فرهنگی رسانی‌ای دانشکده برق دانشگاه صنعتی شریف برگزار می‌شود. علاقه‌مندان می‌توانند داستان‌های خود را با محوریت بررسی تأثیر نظرات علمی و پیشرفت علم و فناوری، طرح نظریه‌های علمی ثابت نشده و پیشرفت آتی علم و فناوری، حداکثر تا تاریخ یکم بهمن ۹۳ به نشانی پست الکترونیکی sharifee@sharif.edu ارسال کنند. کتاب مجموعه داستان‌های برتر از سوی انتشارات هرمس منتشر می‌شود.

دنیای داستانی مودیانو به عذاب‌ها و سؤال‌هایی می‌پردازد که در کودکی او ریشه دارند، نگرانی از ترک شدن، جذابیت دنیای تجارت‌های سیاه و غیرقانونی، میل به نفوذ در دل معماها و دست یافتن به محرک‌های رمزآلودی که باعث می‌شوند انسان‌هایی که به ظاهر رو در روی یکدیگرند، با هم ارتباط برقرار کنند. دو مسئله مهم به این درون‌مایه‌ها اضافه می‌شود: بی‌ریشه بودن و احساس تنهایی. از این رو، نویسنده مودیانو قلمرویی بیگانه را به تصویر می‌کشد، تنها سرزمینی که نویسنده می‌تواند در آن متجلی شود. خط‌سیر فرار جوان‌هایی را روی کاغذ تثبیت می‌کند که ضرب‌به‌سختی از زندگی خورده‌اند.

همه رمان‌های مودیانو، نه در زمان حال اتفاق قابل توجهی می‌افتد و نه در آن گذشته پیوند خورده. حال اتفاقی افتاده است. با شخصیت‌های زیادی روبه‌رو می‌شویم، داستانی‌های زیادی بازگو می‌شود، ترس‌ها و تردیدهای بسیاری را حس می‌کنیم، اما از آن اتفاق‌های داستانی که سلسله‌ای از اتفاقات دیگر را در پی می‌آورند و منجر به گره‌زنی می‌شوند، خبری نیست. استادی مودیانو در این است که از روزمرگی‌های شخصیت‌هایش داستان می‌سازد. گرچه این شخصیت‌ها در طول پرسه‌زن‌ها و روزمرگی‌هایشان همیشه در جستجوی چیزی یا کسی هستند، اما هیچوقت به آن نمی‌رسند و حتی در میانه کار، با درست نمی‌دانند دنبال چه چیزی می‌گردند یا خود روزمرگی چنان جذبشان می‌کند که جستجو را از یاد می‌برند.

جهان داستانی او چگونه جهانی است و چه چیز در این جهان است که مخاطب را به خود جذب می‌کند؟

دنیای پاتریک مودیانو ساده، معمولی، خواب‌دهنده، مخاطره‌آمیز و به طرز وحشتناکی آندوه‌بار است. چیزی بین رمانتیسیم و کتاب‌های نوار، بین فیث جردال و سیمون. این دنیا غالباً آکنده است از راز و ابهام، شخصیت‌های

از دید شما تفاوت دوره اول و دوره جدید نوشتاری مودیانو چیست؟
پاتریک مودیانو در دوره اول نویسنده‌اش روی دوره زمانی مهم در تاریخ فرانسه کار می‌کند. دوره اشغال فرانسه در جنگ جهانی دوم و دوره جنگ الجزایر. سه رمان اول او به نام‌های «میدان اتوال»، «گشت شبانه» و «بلوارهای کمربندی» در دوره اشغال فرانسه می‌گذرد. مودیانو در این رمان‌ها راوی زندگی قهرمان‌های جنگ نیست بلکه سراغ افراد شکست‌خورده و حتی کسانی که با آلمان‌ها همکاری کرده‌اند می‌رود. این بخش از تاریخ فرانسه، یعنی تاریخ شکست‌خورده‌ها و تحقیر شده‌ها را فقط در رمان‌های مودیانو می‌توان یافت. شکل روایت این سه رمان شبیه خاطر‌نویسی است ولی مسلماً خاطره نیستند چون مودیانو یک سال بعد از پایان جنگ جهانی دوم به دنیا آمده است. مودیانو در این سه رمان نوعی از نوشتار را پایه‌گذاری می‌کند که به آن «هنر حافظه» می‌گویند. او در کارهای بعدی، همین نوشتار را ادامه می‌دهد. رمان «وبالی‌دلگیر» در زمان جنگ الجزایر اتفاق می‌افتد و رمان‌های بعدی، در دوره یأس و سرخوردگی دهه ۶۰ از آن به بعد تا امروز، نوشتار مودیانو تغییر زیادی نکرده است و تنها تفاوتش با دوره اول نویسنده‌اش، او توجه بیشتر به فرید قهرمان‌های اصلی‌اش و تنهات شدن آن‌ها و همینطور، ظهور شخصیت‌های زن به عنوان شخصیت اصلی در آثار اوست.

در آثار مودیانو به اتفاقات اجتماعی و سیاسی نیز اشاره می‌شود. آیا می‌توان این عوامل را نیز از نکات مثبت نوشته‌های ایشان به حساب آورد؟

بیشتر در چه می‌داند؟
نثر مودیانو، مهم‌ترین قوت کار نویسنده‌اش اوست. او به کمک این نثر، مخاطب را از همان صفحه اول با پرسه‌زن‌های شخصیت‌داستان همراه می‌کند. مودیانو نثری سهل و ممتنع دارد، جمله‌هایی کوتاه و معمولاً عاری از پیچیدگی‌های زبانی، نثری ساده و روان که مانند لغزیدن آرام‌روی در کوجهای پاریس، به آرامی روی کاغذ می‌لغزد. قهرمان کتاب در زمان حال برسه می‌زند اما گویا در گذشته است؛ حال را گذشته می‌بیند، گذشته را به حال می‌آورد. تقریباً در

EIFFEL
Different Fashion For Different Men.

فروش ویژه زمستانه ایفل پوشاک مدرن آقایان

خیابان خیام خیابان صورا اسرافیل پاساژ صورا اسرافیل طبقه همکف پلاک ۹۰
تلفن: ۳۳۹۷۹۰۲۰

بیسفون

دور، آنقدرها هم دور نیست! ...

ارسال پیام متنی رایگان
برچسب‌های رایگان
تماس رایگان از تلفن همراه
امکان ایجاد گروه‌های کاری و دوستانه
ارسال فایل‌های صوتی و تصویری رایگان
صدای زنگ اختصاصی

نرم افزاری برای ارتباط رایگان نصب کنید...

www.bisphone.ir

فروشگاه الموبد کتندو

موبد و لوازم

ios android

www.bisphone.ir